شاهد روائی دوم

شاهد دوم در اینکه مقصود نیت باشد. یک روایت خیلی خوبی از امام سجاد سلام الله علیه داریم. در دو باب پنجم و ششم آمده است. در باب پنجم حدیث هشتم است. باب ششم حدیث چهارم است. در آخر کار زُهری است که از امام سجاد علیه‌السلام نقل می‌کند. اما اینکه چه کسی از زهری نقل می‌کند سندها فرق می‌کند. حدیث هشتم باب اول را سفیان بن عیینه از زهری نقل می‌کند. چه کسی از سفیان نقل می‌کند؟ سلیمان بن داود منقری. در حدیث چهارم باب ششم، همین سلیمان بن داود است که در آن جا دارد «المعروف بشاذکونی»، برای آن منطقه است. او می‌گوید «عن عبد الرزاق» که صنعانی معروف است، «عن معمر»؛ در نسخه وسائل ما «مُعَمّر» ثبت کرده، «عن محمد بن شهاب زهری». ظاهراً در آن‌ها «مَعمَر» ثبت می‌کنند. مَعمَر بن راشد. خودش بصری بوده ولی در یمن ساکن شده و در آن جا دم و دستگاهی داشته. لذا عبد الرزاق صنعانی که یمنی است از او روایت زیاد دارد. چون معمر در یمن بوده.

> **عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن القاسم بن محمد الجوهري، عن سليمان بن داود، عن سفيان بن عيينة، عن الزهري، عن علي بن الحسين عليه السلام (في حديث طويل) قال وصوم يوم الشك أمرنا به ونهينا عنه، أمرنا به أن نصومه مع صيام شعبان، ونهينا عنه أن ينفرد الرجل بصيامه في اليوم الذي يشك فيه الناس، فقلت له: جعلت فداك فإن لم يكن صام من شعبان شيئا كيف يصنع؟ قال: ينوي ليلة الشك أنه صائم من شعبان، فإن كان من شهر رمضان أجزأ عنه، وإن كان من شعبان لم يضره، فقلت: وكيف يجزي صوم تطوع عن فريضة؟ فقال: لو أن رجلا صام يوما من شهر رمضان تطوعا وهو لا يعلم أنه من شهر رمضان ثم علم بذلك لأجزأ عنه، لان الفرض إنما وقع على اليوم بعينه[1]**
>
> **باسناده عن أحمد بن محمد بن الحسن بن الوليد، عن أبيه، عن محمد بن الحسن الصفار، عن علي بن محمد القاساني، عن القاسم بن محمد كاسولا، عن سليمان ابن داود الشاذكوني، عن عبد الرزاق، عن معمر، عن محمد بن شهاب الزهري قال: سمعت علي بن الحسين عليه السلام يقول: يوم الشك أمرنا بصيامه ونهينا عنه أمرنا ان يصومه الانسان على أنه من شعبان، ونهينا عن أن يصومه على أنه من شهر رمضان وهو لم ير الهلال[2]**

33:43

پس همه سندها به سلیمان بن داود می‌رسد. سلیمان بن داود حدیث را از دو نفر نقل کرده. یکی از عبد الرزاق صنعانی از معمر از زهری، یکی هم از سفیان بن عیینه از زهری. از چیزهای جالب در این دو سند این است: قبل از سلیمان بن داود، راوی، قاسم بن محمد است. ولی دو قاسم بن محمد هم نام در دو سندی که برای یک روایت است آمده‌اند. یکی از آن‌ها القاسم بن محمد الجوهری است که کوفی است. دیگری قاسم بن محمد الکاسوال است. پس محل سند که به او می‌رسیم و اینکه یک شخص است که دارد روایت را از دو طریق نقل می‌کند سلیمان بن داود منقری است. قاسم بن محمد در آن‌ها دو نفر هستند. چون یکی جوهری و دیگری کاسوال است.

خب آیا این دو حدیث را زهری دو جور نقل کرده؟ چون مفاد هر دو حدیث از حیث فقه الحدیث فرق می‌کند. یک نقل آن موید بحث ما است. یعنی می‌زان را نیت قرار داده. یک نقل آن نه، لطائفی در بردارد که بعداً عرض می‌کنم. حالا من هر دو را سریع عرض می‌کنم.

روایت هشتم که سفیان بن عیینه از زهری از امام سجاد علیه‌السلام نقل می‌کند، شروع هر دو روایت مثل هم است. حتی این احتمال به ذهنم آمده که بقیه توضیحاتش برای خود زهری باشد. ای برای بعدی ها باشد؛ سفیان و سلیمان. ابتدای روایت این است: **«وصوم يوم الشك أمرنا به ونهينا عنه»؛** اجتماع امر و نهی. هم امر به آن داریم و هم نهی از آن داریم. **«أمرنا به أن نصومه مع صيام شعبان، ونهينا عنه أن ينفرد الرجل بصيامه في اليوم الذي يشك فيه الناس»؛** چرا نهی‌اند؟ عنوان نهی را ببینید: **«ینفرد الانسان بالصیام».** این برای نقل سفیان بن عیینه است.

شاگرد:....

استاد: فعلاً به آن می‌رسیم. من توضیح سندی را عرض کردم که متوجه باشید قاسم بن محمد دو نفر هستند. نقل ها هم تفاوت می‌کند. فعلاً آن جایی که در این حدیث هشتم است به بحث ما مربوط نمی‌شود. چون تعلیل نهی را به این نمی‌آورند که چرا نیت ماه مبارک کردی؟ چرا ازدیاد در شهر مبارک کردی؟ نه، می‌گویند **«نهینا ان ینفرد الانسان»**. اما همین نقل که در روایت چهارم بود که معمر از زهری نقل کرد، امام سجاد فرمودند: **«يوم الشك أمرنا بصيامه ونهينا عنه أمرنا ان يصومه الانسان على أنه من شعبان، ونهينا عن أن يصومه على أنه من شهر رمضان ووه لم ير الهلال»؛** ببینید با «ینفرد الانسان» فرق کرد. دقت در عبارت تفاوت می‌کند. حالا ای امام علیه‌السلام هر دو را فرمودند؛ یعنی در هر نقلی بخشی از سخن حضرت بازتاب پیدا کرده ای اینکه نقل به معنا شده است. سفیان بن عیینه ای خود زهری دو جور گفته. شاید احتمال بالاتر این باشد که راوی های از زهری نقل به معنا کرده باشند. زهری یک چیزی را گفته سفیان یک چیزی را گرفته و معمر چیز دیگری را.

معمر ۱۵۴ وفات کرده، یعنی نسبت به زمانیکه سفیان بن عیینه از زهری گرفته، او جلوتر بوده. از اصحاب سابق زهری می‌شود. اما سفیان بن عیینه تازه بعد از صد به دنیا آمده است و عمرش طولانی بوده. از نظر سنی خیلی از معمر کوچک تر نیست، شاید ده سال نشود. ولی از آن طرف ات ۱۹۸ زنده بوده. عمر طولانی بوده. عمر معمر خیلی طولانی نبوده. لذا معمر که از زهری نقل می‌کند با سفیان که از زهری نقل می‌کنند، کسی نقل می‌کند که حدود ده سال از دیگری کوچک تر است. معمر در تحدیث نسبت به او سابقه‌ای دارد. حالا اینکه نقل کدام یک اضبط می‌باشد در جای خودش.

شاگرد:...

استاد: زهری صد و سی و خورده‌ای وفات کرده، او هم در صد و پنج به دنیا آمده است. یعنی در بیست سالگی می‌توانسته از او نقل کند. عمر سفیان طولانی است.

شاگرد۲: معنای «ان ینفرد» چه می‌شود؟

استاد: آن را عرض می‌کنم. در مورد آن خیلی حرف دارم. این هم موید دوم است. موید سوم هم روایت پنجم است:

---

[1] وسائل الشيعة - ط الإسلامية ج۷ص۱۴

[2] همان ۱۷

بازبینی #1
ایجاد شده 8 ژوئن 2026 13:54:54 توسط ... .
به روزرسانی شده 8 ژوئن 2026 13:58:47 توسط ... .